

ما يتعلق بالروايات

مسائل مربوط به روايات

كانت هناك وقفة مع السيد أحمد الحسن (عليه السلام) بخصوص بعض الروايات الطاهرة في بعض زاوياها ومداليلها، وكانت الأسئلة تدور مرة عن روايات خاصة بعينها، وأخرى عن بعض ما يتعلق بها جميعاً من دون النظر إلى رواية معينة، فكان الآتي بفضل سبحانه.

با سيد احمد الحسن (عليه السلام) درباره برخی جوانب و معانی شماری از روایات طاهره گفتگویی داشتم. گاهی، پرسشها مربوط به روایاتی خاص و گاهی بدون در نظر گرفتن روایتی خاص، نسبت به مباحث کلی بود که نتیجه آن، به فضل خدای سبحان، در ادامه خواهد آمد.

• (هل يحق لغير المعصوم بيان معنى رواية متشابهة) ..

• (آيا غير معصوم حق دارد روايت متشابهه را معنى کند؟) ..

إنه فضل من الله كبير أن يوفق المرء الى الاقتداء بحجج الله الطاهرين والاستئنان بسنتهم في دعوة الخلق التائه الى ربهم الكريم الذي لم يغفلهم أن رغم أنهم يغطون في سبات النسيان العميق، وأكد أن من أراد شيئاً أعد له عدته، وهل هي إلا المعرفة الإلهية بشروطها وأدواتها التي تمكن العامل الإلهي من خوض غمار المواجهة مع الباطل وأهله لإنقاذ ما يستطيع من الخلق، وحاجته بعد هذا إلى بيان الحق للناس والإجابة على تساؤلاتهم لا تكاد تنكر أبداً.

این که انسان بتواند در دعوتِ خلقِ سرگشته به سوی خدای بخشندهشان، خدایی که لحظه‌ای از آنها غافل نیست هر چند که آنها خود در خواب فراموشی عمیقی بهسر می‌برند، به حجت‌های پاک الهی اقتدا کرده و به راه و روش آنها گام بردارد، احسانی بزرگ از سوی خداوند محسوب می‌شود. قطعاً اگر کسی خواهان چیزی باشد، خود و امکاناتش را برای رسیدن به آن آماده می‌سازد، و این چیزی نیست جز معرفت الهی با شرایط و ابزار آن. که عمل کننده به اوامر الهی با اتکا به آن می‌تواند به مصاف انبوه باطل و طرفداران آن برود تا در حد توان خود مردم را نجات دهد؛ و آنچه بعد از آن نیاز دارد بیان حق برای مردم و پاسخ به سؤالات آنها است که (در غیر این صورت) به احتمال زیاد تا ابد بی‌پاسخ باقی می‌مانند.

ولكن كثيراً ما تسبب له قلة البضاعة المعرفية التي لست الآن بصدد بيان أسبابها - وهي لا تعدو الإنسان نفسه جزماً - إرباكاً في المسعى. ومن ثم قد يتراءى له حينذاك بعض الأجوبة من خلال ما يطالعه من روايات شريفة، لكن ليس بيده قول قطعي من المعصوم في المراد والمعنى الحقيقي لها، فهل بالإمكان بيان فهمه للناس والحال هذه، ويكتفي بقول: (والله أعلم) بعد ذلك، أم يتأسى بالمأثور: (إن نصف العلم قول لا أعلم) من البداية، ورحم الله من عرف قدر نفسه ويختار ذلك سبيلاً؟

آنچه معمولاً باعث می‌شود بضاعت معرفتی فرد ناچیز بماند که البته اکنون در صدد پرداختن به دلایل آن نیستیم و قطعاً علت اصلیش خود انسان است. سستی در کار و تلاش است. وی به هنگام مطالعه روایات شریفه، به پاسخ برخی از سؤالات می‌رسد ولی سخن قطعی معصوم درباره مفهوم و معنای واقعی آن را در دست ندارد؛ آیا در این حالت می‌تواند آنچه را که خودش فهمیده است، به مردم ارائه کند، و پس از آن به گفتن «والله اعلم» [خداوند داناتر است] اکتفا نماید؟ یا از همان ابتدا، به نقل «ان نصف العلم قول لا اعلم» [نیمی از علم، گفتن نمی‌دانم است] و خدا رحمت کند کسی را که قدر خویش بداند و راهی در این بین برگزیند، تأسی نماید؟

الحقیقة لا أعرف إجابة عندما خطر ذلك التساؤل في بالي ، ولم أحر له جواباً ؟

حقیقت آن است که وقتی این سؤالات به ذهنم خطور کرد، جواب آنها را نمی‌دانستم و پاسخی مناسب برایشان نیافتم.

فقررت سؤال العبد الصالح (عليه السلام)، وتبين لي بعد إجابته أنني لست فقط غير عارف بالجواب، بل لم أكن لأحسن حتى صياغة السؤال، والحمد لله على كل حال، وساعد الله قلبه الشريف.

تصمیم گرفتم از عبد صالح (علیه السلام) سؤال کنم و پس از پاسخ ایشان، برایم روشن شد که من نه تنها پاسخ را نمی‌دانستم بلکه حتی در طرح سؤال نیز، شایسته عمل نکردم. در هر حال خدا را شکر! خداوند دل شریف ایشان را یاری نماید!

وعلى أي حال، سألته (عليه السلام)، فقلت: إذا سئل الإنسان عن معنى يتعلق برواية أو شيء من ذلك ولم يكن لديه جواب قطعي من المعصوم، فهل له أن يجيب بما يعرف من بعض كلماتهم (عليهم السلام) أو يمتنع عن الإجابة؟

به هر حال از ایشان (عليه السلام) پرسیدم: اگر از شخصی درباره معنا و مفهوم یک روایت یا چیزی از این قبیل، سؤالی پرسیده شود ولی وی پاسخ قطعی از معصوم در اختیار نداشته باشد، آیا می‌تواند با توجه به برداشتی که خودش از کلمات ائمه (عليهم السلام) بدست می‌آورد، پاسخ سؤال را بدهد یا این که باید از پاسخ‌گویی خودداری کند؟

فأجابني (عليه السلام): (هذا يعتمد على تلك الرواية وبماذا تتعلق، وهل لها مساس بالاعتقاد أم بالتشريع، فالسؤال غير دقيق لتتم الإجابة عنه، فهناك روايات بينة وروايات متشابهة وروايات متعارضة، فما لم يتبين لكم معناه لا تجيبوا به بالقطع، ولكن يمكنكم إعطاء فهمكم لمن يطلبه، وأيضا يمكنكم السؤال ومعرفة الإجابة ومن ثم بيانها لمن يطلبها).

ایشان (عليه السلام) پاسخ دادند: (این موضوع، به روایت و آنچه به آن تعلق دارد، بستگی دارد. آیا این روایت مربوط به اعتقادات است یا جزو روایات تشریعی؟ البته این سؤال دقیق نیست و نمی‌توان پاسخ کاملی به آن داد! دسته‌ای از روایات، روشن هستند و برخی متشابه و گروهی متعارض. آنچه را که معنایش برای‌تان آشکار نشده، پاسخ قطعی ندهید ولی می‌توانید درک و استنباط خودتان را به کسی که طالب آن است عرضه کنید. همچنین می‌توانید سؤال کنید و جوابش را دریابید و سپس آن را برای فردی که خواهانش است، بیان نمایید).

طبعاً، هذا بالنسبة إلى ما عدا الروايات الشريفة التي تتحدث عن حركة الظهور المقدس وما يرتبط به، وأما بالنسبة إلى روايات الظهور فقد أجاب عنها

(عليه السلام)، فقال: (أما إذا كنت تقصد روايات الظهور فهذه نحن لا نبين منها إلا موضع الحاجة والضرورة، أما ما تركنا بيانه فمن أراد الله إفهامه يفهمه المراد منها، وكلُّ بحسب إخلاصه، ويبقى بيانها على اليقين لكل الناس في حينها).

البته این پاسخ، روایات شریفه‌ای را که مربوط به جنبش مقدس ظهور و مسائل مربوط به آن است، را شامل نمی‌شود، و احمد الحسن (عليه السلام) در پاسخ به سؤال درباره روایات ظهور فرمود: (اگر منظور شما روایات ظهور است، ما چیزی از آن را به‌جز در حد نیاز و ضرورت بیان نمی‌کنیم، و آنچه توضیحش را ترک کردیم، خداوند به هر کس که بخواهد با توجه به میزان اخلاصش، منظور روایت را می‌فهماند و به یقین بیان آن برای همه مردم تا وقت خودش باقی می‌ماند).
